

پرسشنامه میلون ۲

کد: نام و نام خانوادگی: سن:

جنسیت: زن مرد میزان تحصیلات:

طول اپیزود AXIS I در بیمارستان

Reset

Out patient

- ۱- بیشتر به میل خود رفتار می‌کنم تا مطابق انتظاراتی که دیگران از من دارند.
- ۲- تنها کارکردن را راحت‌تر از کارکردن با دیگران می‌دانم.
- ۳- بیشتر وقت‌ها گفتگو با دیگران برایم مشکل و رنج‌آور است.
- ۴- معتقدم در زندگی باید کارها را با اراده و تصمیم قوی انجام داد.
- ۵- از چند هفته پیش به این طرف کوچکترین مسأله‌ای مرا به گریه می‌اندازد.
- ۶- بعضی از مردم فکر می‌کنند که من آدم خودخواه و خودپسندی هستم.
- ۷- در نوجوانی بخاطر رفتار بدی که در مدرسه داشتم دچار دردسرهای فراوانی می‌شدم.
- ۸- همیشه این احساس را دارم که در یک جمع یا گروه پذیرفته نمی‌شوم.
- ۹- بیشتر وقت‌ها اگر کسی اذیتم کند از رفتار او انتقاد می‌کنم.
- ۱۰- دوست دارم در کارها از دیگران پیروی کنم.

۱۱- بقدری از انجام دادن کارهای مختلف لذت می‌برم که نمی‌توانم تصمیم بگیرم کدام یک را اول انجام دهم.

۱۲- گاهی اوقات با خانواده‌ام بسیار تند و خشن رفتار می‌کنم.

۱۳- علاقه چندانی به دوست پیدا کردن و رفاقت ندارم.

۱۴- فکر می‌کنم که آدم معاشرتی و خونگرمی هستم.

۱۵- چون فکر می‌کنم آدم بزرگ و مهمی هستم بنابراین برایم مهم نیست که دیگران در مورد من چه فکری می‌کنند.

۱۶- هیچکس به اندازه کافی قدر کارها و زحمات مرا نمی‌داند.

۱۷- من مشروب مصرف می‌کنم و تاکنون نتوانسته‌ام آن را ترک کنم.

۱۸- دلشوره دارم و عرق سرد روی تنم می‌نشیند.

۱۹- در کارهای گروهی چندان فعال نیستم.

۲۰- بیشتر وقتها فقط به این خاطر کاری را انجام می‌دهم که مایه تفریح و سرگرمی است.

۲۱- از دیدن این که کسی کاری را خوب انجام نمی‌دهد جداً ناراحت می‌شوم.

۲۲- اگر در خانواده‌ام به من زور بگویند احتمالاً عصبانی می‌شوم و در برابر خواسته آنها مقاومت می‌کنم.

۲۳- بیشتر وقتها فکر می‌کنم که باید بخاطر کارهایی که انجام داده‌ام تنبیه شوم.

۲۴- مردم پشت سر من در مورد قیافه و رفتارم حرف می‌زنند و مرا مسخره می‌کنند.

۲۵- فکر می‌کنم دیگران بیشتر از من بخودشان اطمینان دارند که در این دنیا چکاره‌اند و چه می‌خواهند.

۲۶- بدون دلیل گریه‌ام می‌گیرد و یا عصبانی می‌شوم.

۲۷- از یکی دو سال پیش تا کنون احساس تنهایی و پوچی می‌کنم.

۲۸- دوست دارم دیگران متوجه کارهای من بشوند.

۲۹- در هنگام راه رفتن نمی‌توانم تعادلم را حفظ کنم.

۳۰- از رقابت شدید لذت می‌برم.

۳۱- وقتی به دردسر می‌افتم فوراً به دنبال کسی می‌گردم که کمک کند.

۳۲- برای این که دچار دردسر نشوم مواظب هستم تا مردم چیز زیادی در مورد من ندانند.

۳۳- بیشتر وقت‌ها احساس ضعف و خستگی می‌کنم.

۳۴- در برخورد با مشکلات آدم‌هایی دیگر بیشتر از من عصبانی می‌شوند.

۳۵- اعتیاد من به مواد مخدر در گذشته برایم دردسر و مشکل درست کرده است.

۳۶- تازگی‌ها بدون هیچ دلیلی به گریه می‌افتم.

۳۷- فکر می‌کنم آدم فوق‌العاده‌ای هستم و انتظار دارم که دیگران توجه خاص به من داشته باشند.

۳۸- تحت هیچ شرایطی نمی‌گذارم کسی به بهانه احتیاج به کمک، از من سوءاستفاده کند.

- ۳۹- یک راه مطمئن برای داشتن دنیایی پُرصلح و صفا اصلاح اخلاقیات مردم است.
- ۴۰- قبلاً با آدم‌هایی ناجور زیاد رفت و آمد داشتم.
- ۴۱- تحمل آدم‌هایی را که تردید و دودلی نشان می‌دهند ندارم.
- ۴۲- آدم بسیار مطیع و سربزیری هستم.
- ۴۳- خلق و خوی بدم مرتب مرا به دردسر می‌اندازد.
- ۴۴- با زورگویی هم که شده دوست دارم افراد مطابق میل من رفتار کنند.
- ۴۵- از چند سال پیش به این طرف حتی مسایل کوچک هم باعث افسردگیم می‌شوند.
- ۴۶- چون مایلیم هرکاری را به بهترین وجه انجام دهم بیشتر کارهایم عقب می‌افتد.
- ۴۷- آنقدر بی‌سرو صدا و گوشه گیر هستم که بیشتر مردم حتی متوجه من نمی‌شوند.
- ۴۸- بیشتر وقت‌ها دلم می‌خواهد با جنس مخالف باشم.
- ۴۹- آدم بی‌سرو صدا و ترسوئی هستم.
- ۵۰- آدمی هستم که زیاد اشتباه می‌کنم و احساس و عقیده‌ام را زود عوض می‌کنم.
- ۵۱- بیشتر شب‌ها وقتی به اتفاقات روزمره فکر می‌کنم ناراحت می‌شوم.
- ۵۲- نوشیدن الکل هرگز مشکل جدی در کارم بوجود نیاورده است.
- ۵۳- تازگی‌ها حتی صبح‌ها احساس ضعف و بی‌حالی می‌کنم.
- ۵۴- چند سالی است که احساس می‌کنم در زندگی شکست خورده‌ام.

- ۵۵- از آدم‌هایی که خیال می‌کنند هرکاری را می‌توانند بهتر از دیگران انجام دهند منتفرم.
- ۵۶- همیشه این ترس را دارم مبادا محبت افرادی را که به آن‌ها احتیاج دارم از دست بدهم.
- ۵۷- فکر می‌کنم زیاده از حد اجازه می‌دهم مردم از من سوءاستفاده کنند.
- ۵۸- تازگی‌ها خیلی دلم می‌خواهد چیزها را پرت کنم و بشکنم.
- ۵۹- تازگی‌ها به طور جدی به فکر خودکشی افتاده‌ام.
- ۶۰- همیشه به دنبال این هستم که دوستان جدیدی پیدا کنم و با افراد تازه‌ای نشست و برخاست کنم.
- ۶۱- در هرکاری تمام جزئیات را در نظر می‌گیرم.
- ۶۲- در سال گذشته عکس من بر روی جلد مجله‌های زیادی چاپ شد.
- ۶۳- کسی مرا دوست ندارد.
- ۶۴- اگر کسی یک ایراد از من بگیرد فوراً ده ایراد از او می‌گیرم.
- ۶۵- بعضی‌ها می‌گویند که من از درد و رنج لذت می‌برم.
- ۶۶- بیشتر وقت‌ها خشم و عصبانیت خود را بروز می‌دهم و بعد پشیمان می‌شوم.
- ۶۷- تازگی‌ها احساس می‌کنم که عصبی هستم و تحت فشار زیادی قرار دارم ولی علت آن را نمی‌دانم.
- ۶۸- گاهی وقت‌ها قدرت حس کردن در بعضی از قسمت‌های بدنم را از دست می‌دهم.

۶۹- افرادی با استفاده از جادو و حس ششم زندگی من را در دست دارند.

۷۰- مصرف مواد مخدر ممکن است عاقلانه نباشد ولی در گذشته حس می‌کردم که به آنها

احتیاج دارم/

۷۱- همیشه خسته‌ام.

۷۲- خواب ندارم و بعد از خواب هم به اندازه قبل از خوابیدن خسته‌ام.

۷۳- ناخواسته دست به کارهای احمقانه زیادی می‌زنم که بعداً مرا به دردسر می‌اندازد.

۷۴- کسی را که به من توهین کرده یا مرا خجالت زده کرده هیچوقت نمی‌بخشم.

۷۵- ما باید به نسل‌های گذشته احترام بگذاریم و فکر نکنیم که داناتر از آنها هستیم.

۷۶- در حال حاضر بیشتر وقت‌ها حالت افسردگی و غمگینی به من دست می‌دهد.

۷۷- اصولاً آدمی هستم که دیگران باسانی از من سوءاستفاده می‌کنند.

۷۸- من همیشه سعی می‌کنم دیگران را از خودم خوشنود کنم حتی اگر از آنها بدم بیاید.

۷۹- چند سال است که به طور جدی به خودکشی فکر می‌کنم.

۸۰- خیلی زود متوجه می‌شوم که دیگران قصد دارند برایم دردسر درست کنند.

۸۱- در مقایسه با دیگران همیشه کمتر به مسایل جنسی علاقه نشان داده‌ام.

۸۲- نمی‌دانم چرا اما مثل این که من از اذیت کردن کسانی که دوستشان دارم لذت می‌برم.

۸۳- از خیلی وقت پیش صلاح خود را در این دیده‌ام که با دیگران کمتر رابطه داشته باشم.

- ۸۴- حاضرم بمیرم ولی اجازه ندهم کسی اراده و اختیار مرا از من بگیرد.
- ۸۵- از بچگی مواظب بودم کسی سرم کلاه نگذارد.
- ۸۶- وقتی حوصله‌ام سر برود، دوست دارم به کار پُر هیجانی دست بزنم.
- ۸۷- سرپیچی من از قانون مشکلاتی برای من و خانواده‌ام درست کرده است.
- ۸۸- آنقدر در کارهایم دقت می‌کنم که خسته می‌شوم.
- ۸۹- از نظر خودم، من یکی از با استعدادترین آدم‌ها هستم.
- ۹۰- در ده سال گذشته اتومبیلی ندیده‌ام.
- ۹۱- از نظر من هیچ مانعی ندارد که آدم برای موفقیت در کارهایش دیگران را وسیله قرار دهد.
- ۹۲- بدون ترس از تنبیه همیشه هرکاری را که خواسته‌ام انجام داده‌ام.
- ۹۳- بارها شده که بی‌دلیل شادی و هیجان بیش از حد به من دست داده است.
- ۹۴- در نوجوانی حداقل یک بار از خانه فرار کرده‌ام.
- ۹۵- بیشتر وقت‌ها عجولانه چیزهایی می‌گویم که بعداً از گفتن آن‌ها پشیمان می‌شوم.
- ۹۶- چند هفته است که بدون دلیل احساس خستگی شدید می‌کنم.
- ۹۷- مدتی است که هیچ کاری را درست انجام نمی‌دهم و به همین دلیل واقعاً احساس گناه می‌کنم.
- ۹۸- افکار و اندیشه‌هایی در ذهنم موج می‌زنند و رهایم نمی‌کنند.

- ۹۹- در یکی دو سال گذشته بسیار دلسرد و غمگین بوده‌ام.
- ۱۰۰- چند سال است که افراد زیادی در مورد زندگی خصوصی من جاسوسی می‌کنند.
- ۱۰۱- نمی‌دانم چرا ولی گاهی حرف‌های بد می‌زنم صرفاً برای این که دیگران را رنجیده خاطر کنم.
- ۱۰۲- از بیشتر مردم یا متنفرم یا می‌ترسم.
- ۱۰۳- من آزادانه بدون توجه به عقاید دیگران حرفم را می‌زنم.
- ۱۰۴- وقتی یک شخص مسوول به من دستور بدهد کاری را انجام دهم، احتمالاً یا آن را انجام نمی‌دهم و یا عمداً آن را بد انجام می‌دهم.
- ۱۰۵- در گذشته اعتیادم به مواد مخدر باعث شده است شغلم را از دست بدهم.
- ۱۰۶- برای این که اختلاف نظر پیش نیاید، من همیشه حاضرم تسلیم عقاید دیگران شوم.
- ۱۰۷- بیشتر وقت‌ها یک آدم غرغرو و اخمو هستم.
- ۱۰۸- من دیگر حوصله بگو مگو و درگیری را ندارم.
- ۱۰۹- تازگی‌ها هر موضوعی مدت‌ها ذهنم را به خود مشغول می‌کند.
- ۱۱۰- بیشتر وقت‌ها فکر می‌کنم که شایسته موفقیت‌هایی که نصیبم شده نبوده‌ام.
- ۱۱۱- من با جذابیت خودم می‌توانم توجه مردم را به خود جلب کنم.
- ۱۱۲- بیشتر وقت‌ها وقتی تنها هستم بشدت احساس می‌کنم کسی که در کنارم نشسته که نمی‌توانم او را ببینم.

۱۱۳- احساس بی‌هدفی می‌کنم و نمی‌دانم در زندگی به کجا می‌روم.

۱۱۴- تازگی‌ها خیلی عرق می‌کنم و کلافه‌ام.

۱۱۵- گاهی وقت‌ها احساس می‌کنم بنحوی باید به خودم یا دیگران آسیب برسانم.

۱۱۶- بخاطر جرائمی که هرگز مرتکب نشده‌ام مرا غیر عادلانه تنبیه کرده‌اند.

۱۱۷- چند هفته است که اعصابم داغون شده است.

۱۱۸- فکرهای عجیبی به سرم می‌افتد که کاش می‌توانستم از شر آن‌ها خلاص شوم.

۱۱۹- برای من بسیار مشکل است که بر هوس مشروب خوردن افراطی غلبه کنم.

۱۲۰- اکثر مردم فکر می‌کنند آدم بی‌مصرفی هستم.

۱۲۱- گاهی هنگام دعوا و جر و بحث با کسی که دوستش دارم احساس شدید تحریک جنسی

می‌کنم.

۱۲۲- طی سال‌های گذشته توانسته‌ام مصرف مشروبم را در کمترین حد نگه دارم.

۱۲۳- همیشه مردم را امتحان می‌کنم تا بفهمم چقدر می‌شود به آن‌ها اعتماد کرد.

۱۲۴- حتی وقتی بیدارم متوجه آدم‌هایی که دوروبرم هستند نمی‌شوم.

۱۲۵- پیدا کردن دوست برایم کار بسیار ساده‌ایست.

۱۲۶- همیشه سعی می‌کنم که کارهایم خوب تنظیم و برنامه ریزی شده باشد.

۱۲۷- گاهی وقت‌ها چیزهای ناراحت کننده‌ای را به وضوح می‌شنوم که دیگران قدرت شنیدن آنها را ندارند.

۱۲۸- به نظر می‌رسد احساساتم خیلی تغییر می‌کنند.

۱۲۹- سوءاستفاده از کسی را که خود اجازه چنین کاری را فراهم کند عیب نمی‌دانم.

۱۳۰- طی چند سال گذشته بارها در محل کارم به دردسر افتاده‌ام.

۱۳۱- فکرهای مهمی در سر دارم که مردم این زمانه آنها را نمی‌فهمند.

۱۳۲- مدتی است که غمگین و گرفته‌ام و نمی‌توانم از این حالت خلاص شوم.

۱۳۳- همیشه دوست دارم در کارهایم از دیگران کمک بگیرم.

۱۳۴- از دیدن آدم‌هایی که کند کار می‌کنند اغلب وقت‌ها عصبانی می‌شوم.

۱۳۵- من جداً از افرادی که انتظار دارند کاری را برخلاف میلم انجام دهم متنفرم.

۱۳۶- چند سال است آنقدر احساس گناه می‌کنم که ممکن است بلایی به سر خود بیاورم.

۱۳۷- در مهمانی‌ها هیچوقت گوشه گیر نیستم.

۱۳۸- مردم مرا آدمی رسمی و مقرراتی می‌شناسند.

۱۳۹- در برابر مهربانی مردم گاهی دستپاچه و ناراحت می‌شوم.

۱۴۰- استفاده از مواد مخدر باعث درگیری خانوادگی برایم شده است.

۱۴۱- وقتی که با فردی از جنس مخالف خودم روبرو می‌شوم زود دستپاچه می‌شوم.

۱۴۲- بعضی از اعضای خانواده‌ام می‌گویند که خودخواه هستم و فقط به خودم فکر می‌کنم.

۱۴۳- برایم مهم نیست که اشخاص دیگر علاقه و توجهی به من نشان ندهند.

۱۴۴- راستش را بخواهید من اغلب اوقات برای خلاص شدن از گرفتاری دروغ می‌گویم.

۱۴۵- مردم خیلی راحت می‌توانند نظرم را عوض کنند حتی اگر تصمیم نهایی خود را گرفته باشم.

۱۴۶- کسانی هستند که سعی دارند به من صدمه برسانند ولی من این قدرت را دارم که بر آنها غلبه کنم.

۱۴۷- والدینم اغلب اوقات می‌گفتند که من به جایی نمی‌رسم.

۱۴۸- بیشتر وقت‌ها من با دستوراتم مردم را عصبانی می‌کنم.

۱۴۹- نسبت به مافوق خودم احترام زیادی قائل هستم.

۱۵۰- من تقریباً هیچگونه ارتباط نزدیکی با اشخاص دیگر ندارم.

۱۵۱- در گذشته مردم به من گفته‌اند که به خیلی چیزها بیش از حد شوق و علاقه نشان داده‌ام.

۱۵۲- در سال گذشته بیش از سی بار بر روی اقیانوس اطلس پرواز کرده‌ام.

۱۵۳- من به این گفته اعتقاد دارم در کارها هرچه دقت کنی باز هم کم است.

۱۵۴- من مستحق رنجی هستم که در طول زندگی کشیده‌ام.

۱۵۵- احساس من نسبت به افراد مهم زندگی‌ام اغلب بین محبت و نفرت در حال نوسان است.

۱۵۶- والدینم همیشه با هم بگو و مگو داشتند.

۱۵۷- اگر با کسی دعوا و زد و خورد کنم پشیمان نمی شوم.

۱۵۸- در بین جمع همیشه خجول و کلافه هستم.

۱۵۹- برای قوانین و مقررات احترام قائلم چون آن‌ها را راهنمای خوبی برای زندگی می دانم.

۱۶۰- از همان کودکی به تدریج رابطه خود را با واقعیت از دست داده‌ام.

۱۶۱- بندرت احساس شدیدی نسبت به چیزی پیدا می کنم.

۱۶۲- در گذشته بیقرار و در حال حرکت بوده‌ام بی آنکه بدانم مقصدم کجاست.

۱۶۳- از کسانی که دیر سر قرار می آیند بیزارم.

۱۶۴- افراد آب زیرکاه اغلب سعی دارند کاری را که من انجام داده‌ام یا فکرش از من بوده به اسم خودشان تمام کنند.

۱۶۵- اگر کسی اصرار کند که من کاری را مطابق میل او انجام دهم بشدت عصبانی می شوم.

۱۶۶- من استعداد موفقیت را تقریباً در هر کاری دارم.

۱۶۷- تازگی بکلی خرد شده‌ام.

۱۶۸- اشخاصی را که دوست دارم ظاهراً تشویق می کنم که به من آسیب نرسانند.

۱۶۹- روی سر و بدنم هیچوقت موئی وجود نداشته است.

۱۷۰- وقتی در یک جمع هستم دوست دارم توجه همه بیشتر به من باشد.

۱۷۱- اشخاصی که در برخوردهای اول آنها را تحسین کرده‌ام بعد مایه دلخوری من شده‌اند.

۱۷۲- آدمی هستم که می‌توانم رو در روی کسی بایستم و جوابش را بدهم.

۱۷۳- ترجیح می‌دهم با کسانی معاشرت کنم که مواظب و حامی من هستند.

۱۷۴- بارها در زندگی از شدت شادی و مصرف انرژی حالت افسردگی به من دست داده است.

۱۷۵- پرهیز از مصرف بیش از حد مواد مخدر یا الکل در گذشته برایم با دشواری‌هایی همراه

بوده است.